

بررسی تأثیر معنویت و ایمان بر تقویت فرهنگ عمومی

از منظر قرآن، حدیث و عرفان

حسین رحمانی تیرکلایی^۱

محمد صادق جمشیدی راد^۲

فرهاد محمد نژاد^۳

مهناز رفیعی^۴

چکیده

فرهنگ اسلامی - ایرانی، علی‌رغم غنای زیاد، با از بین رفتن مرزهای فرهنگی و تهاجم فرهنگ غالب غرب، در معرض آسیب قرار گرفته است. ارتقاء فرهنگ عمومی توده مردم، نیاز امروز جوامع بشری است. رواج آسیب‌ها و کمبود مکارم اخلاقی، جوامع را به انحطاط می‌کشاند. در ایران اسلامی، ضرورت ارتقاء فرهنگ عمومی در جهت نیل به تمدن نوین اسلامی، ما را به شناخت مبانی و زیر ساخت فرهنگ اصیل اسلام، دعوت می‌کند. آیین اسلام، مذهب تشیع و عرفان اسلامی، کامل‌ترین دستورات و موازین الهی را برای ساختن برترین سبک زندگی توأم با معنویت به ما ارزانی داشته و به وسیله آموزه‌های قرآن کریم و معارف و حیانی در اختیار ما نهاده است. لکن، پیش‌نیاز و لازمه آن ایمان و معنویت است. ایمان به خدا، تصدیق توحید و معاد، غیب و وحی، رسالت رسول اکرم (ص) و امامت امامان (ع)، وظیفه اساسی مؤمنین در جامعه دینی است.

از آنجایی که ایمان، یگانه عامل تغییرات درونی افراد جامعه است، با جستجو در متون معتبر دینی و عرفانی استخراج و دسته‌بندی موضوعات، به این نتیجه می‌رسیم که هرچه ایمان مردم افزایش یابد امکان تحول معرفتی و اجتماعی ایمانی و دستیابی به کامل‌ترین فرهنگ عمومی افزایش می‌یابد.

کلید واژه‌ها:

ایمان، فرهنگ عمومی اسلامی، جامعه دینی، عرفان اسلامی، متون و حیانی.

^۱ - استادیار و عضو هیأت علمی پیام نور، تهران، ایران. نویسنده مسئول: Rahmanitirkalai1391@yahoo.com

^۲ - دانشیار فقه و اصول، دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

^۳ - استادیار دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

^۴ - دانشگاه پیام نور استان سمنان، دانشجوی دکتری تخصصی دانشگاه پیام نور تهران، ایران.

پیشگفتار

خدای متعال، با نازل نمودن احکام و معارف توحیدی و عرفانی قرآن و ارسال رسولان، پیامبر خاتم (ص) و جانشینان آن حضرت، چارچوب و روش صحیح زندگی و اصول فرهنگ دینی عمومی را به جامعه اسلامی و به ابناء بشر تعلیم داده و راه هدایت، تزکیه و تعلیم و تربیت انسانها را بیان می‌نماید. امروزه، فرهنگ عمومی جوامع شرق و غرب عالم، اغلب بر پایه غیر توحیدی و انحرافی شکل گرفته و با آسیب‌هایی مانند کمبود معنویت، خودخواهی و خودمحوری، مادی‌گرایی و منفعت‌طلبی، خشونت و پرخاشگری همگانی، فقر و فحشاء، ناامیدی، تنهایی، ظلم، تبعیض و نژادپرستی، تزلزل خانواده، بی‌خانمانی، کودکان نامشروع، جهل، تقلید و خرافه‌گرایی، محاصره شده و مانع آسایش و آرامش بشر گردیده است. لکن تنها معتقدین به معارف اسلام، قادر به ساختن و حفظ و پیشبرد جامعه پیشرفته‌ای خواهند بود که نگرش و معرفت توحیدی و ایمان و معنویت و خشوع قلبی نقطه عزیمت و شرط ورود به آن و عامل بنیادین تأثیرگذار و تحول‌آفرین در تکون فرهنگ عمومی متعالی قلمداد می‌شود.

با ورود اسلام و مذهب تشیع به ایران، فرهنگ عمومی جامعه ایرانی تأیید و تقویت گردید. بزرگداشت نوروز، صله ارحام، مهمان‌نوازی، ایثار و گذشت، هم‌یاری و تعاون، وفاداری به عهد و پیمان، احترام به والدین و بزرگ‌ترها، علم‌دوستی و توجه به طبیعت، شجاعت و روحیه مقابله با زورگویی و استکبار، و مکارم اخلاقی والای دیگر، از مصادیق فرهنگ ایرانی ما در طول سالیان دراز بوده است. لکن، امروزه با آسیب‌ها و تهدیداتی چون تقلید از غرب، مفاسد مالی و اخلاقی، رشوه و ربا، طلاق، راحت‌طلبی و منفعت‌جویی، ریا، خودبینی و خودپسندی، بی‌عفتی و سایر رذایل اخلاقی، آمیخته شده و رنج بی‌هدفی، اضطراب و تنهایی را به همراه داشته است. با مراجعه به آیات قرآن و روایات و مفاهیم متعالی عرفان اسلامی در می‌یابیم که راه دست‌یابی به فرهنگ آرمانی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، در بهره‌مندی بیشتر از کارکرد ایمان و عرفان و معنویت در دفع و رفع آسیب‌ها و تعالی فرهنگ عمومی مولد هدف‌داری و سازنده بنای وحدت مردمی و اطمینان و آرامش، امید و شادی، معناداری و رضایت از زندگی، محصور شده است.

هرچند در پژوهش‌های موجود به تعاریف، شاخص‌ها و خصوصیات فرهنگ عمومی توجه شده، اما به عملکرد ایمان در تقویت فرهنگ عمومی، بویژه با جستجو در آیات قرآن، روایات معصومین (ع) و عرفان اسلامی پرداخته نگردیده و بنابراین، سؤال ما اکنون این است:

براساس آموزه‌های قرآنی، روایی و عرفان اسلامی، ایمان و معنویات، حائز چه جایگاهی در ارتقاء فرهنگ عمومی است؟ معنا و مفهوم فرهنگ، ایمان و عرفان و معنویت چیست؟ معناگرایی و ایمان دینی چه تأثیری بر تقویت فرهنگ عمومی جامعه دارد؟

روش تحقیق

مطالعه کتابخانه‌ای و نقلی و دراصل و حیانی، با رویکرد تحلیل کلامی در متون دینی کتاب و سنت و عرفان اسلامی است. در پژوهش پیش رو از تفسیر موضوعی و روایی آیات و نیز معارف مندرج در خانواده حدیث، بهره برده و به نظرات تحلیلی پرداختیم.

پیشینه تحقیق

بحث تأثیر ایمان بر تقویت فرهنگ عمومی از منظر قرآن و حدیث و عرفان اسلامی (در حد جستجو) بحث بسیار نادر یا احتمالی سابقه‌ای است. اگرچه مقالات و کتب فراوانی در زمینه فرهنگ مطلوب از منظر اسلام با بهره‌گیری و گزینش برخی آیات قرآن و یا بحث حول شناخت ایمان و یا نقش آن در زندگی، موجود است، لکن، موضوع این پژوهش با همه آنها متفاوت است. زیرا در این مقاله، سخن از تأثیر عامل (ایمان) بشکل خاص و نحوه عملکرد آن در تعالی فرهنگ عمومی جامعه دینی است. بحث از قدرت ایمان و معنویت و انواع تأثیرگذاری در خصوص فرهنگ عمومی یک جامعه دینی است. ویژگی دیگر، اتکاء بحث بر بهره‌بردن حداکثری و روش مند از منابع اصلی ما، قرآن کریم و روایات معصومین (ع) و نیز عرفان ناب اسلامی است برای نمونه؛

۱- مقاله "نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن" محمد بهرامی، پژوهش‌های قرآنی ۱۳۸۷، ش ۵۴ و ۵۵، پس از طرح نظراتی، می‌گوید: اگر در عصر جدید دین را یک امر فطری بشناسیم، دین می‌تواند و باید در فرهنگ دخالت کند.

۲- مقاله "منابع فرهنگ متعالی از منظر قرآن کریم" محسن میری، فصلنامه سراج منیر، پاییز، ۱۳۹۲ به استناد آیات قرآن طبیعت، غریزه، قلب، فطرت، دین، عقل، سیره عقلا و تاریخ را به عنوان منابع فرهنگ متعالی، معرفی می‌کند.

۳- مقاله "نقد و بررسی معنویت‌گرایی" محمد عرب صالحی و محمد کاشی زاده، مجله قبسات بهار ۱۳۹۴، معنویت سکولار، مدرن و بدون پشتوانه نظری و صرفاً کارکردگرا را به چالش می‌کشد.

۴- مقاله "معنویت‌گرایی در قرآن" محمد جواد رودگر، مجله پژوهش‌های اعتقادی کلامی،

۵- مقاله " چیستی معنویت و سیر معنا پذیری آن در غرب " محمد ایران دوست، مجله فلسفه

دین، تابستان ۱۳۹۷ش ۲

مفهوم شناسی

- فرهنگ

لغت فرهنگ، بالغ بر ۴۰۰ تعریف دارد. دانشمندان، فرهنگ را چنین تعریف نموده اند: فرهنگ، مجموعه‌ای از آگاهی‌ها، باورها، اخلاق، هنر، آداب و رسوم و هرگونه توانایی است که انسان‌ها به جهت عضویت در جامعه کسب می‌کنند و بر مبنای آن زندگی فردی و اجتماعی خود را تداوم می‌بخشند. فرهنگ به این معنا اساس سعادت و پایه پویایی جامعه است. (فرهنگ فارسی، ج ۲، ص ۲۵۳۸)

علامه جعفری در تعریف فرهنگ می‌نویسد: فرهنگ عبارت است از شیوه بایسته و یا شایسته برای آن دست از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکاملی مستند می‌باشد. (جعفری، ۱۳۷۳، ص ۲)

تعریف دیگر: فرهنگ، مجموعه‌ای هماهنگ از دانش‌ها، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای انسانی است که به صورت نمادهای گوناگون در عرصه‌های سخت‌افزاری اجتماع انسان و امور مربوط به تمدن ظهور می‌یابد و به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود. اگر این مجموعه، برگرفته از روش عقلی و متون دینی و اسلامی باشد، فرهنگ اصیل و معتبر نامیده می‌شود و در غیر این صورت، ضد فرهنگ و غیراصیل و نامعتبر شناخته می‌شود. (خسروپناه، ۱۳۹۰، ص ۲۷)

فرهنگ از دیدگاه مقام معظم رهبری، نقش و جایگاه مهمی در جامعه ایران اسلامی دارد: فرهنگ، هویت یک ملت است. ارزش‌های فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگند؛ (۱۳۹۲/۹/۱۹) بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی). بهره بردن صحیح یک ملت از شکوفایی استعدادها و مواهب الهی، جامعه اسلامی را زنده و پیشرو نگه می‌دارد.

فرهنگ، واقعیتی مبتنی بر روش عقلانی و صحیح است که جسم و جان انسان و مهم‌ترین ابعاد زندگی و حیات مادی و معنوی او از جمله دانش‌ها، باورها و مکارم اخلاقی مردم جامعه را در بر دارد.

- چستی فرهنگ عمومی

در تعریف فرهنگ عمومی آورده اند: فرهنگ عمومی عبارت است از مجموعه منسجم و نظام یافته‌ای از اهداف، ارزش‌ها، عقاید، باورها، رسوم و هنجارهای مردم متعلق به یک جامعه بزرگ، قوم یا ملت (فردرو و دیگران، ۱۳۸۰). رهبر معظم انقلاب، در تبیین مفهوم فرهنگ عمومی، ضمن تقسیم فرهنگ عمومی به دو بخش بارز و ظاهر، مانند الگوی پوشش و شکل معماری و بخش غیر واضح و نامحسوس، مانند وقت شناسی و خطرکردن برای جامعه، عمده ترین تأثیرات فرهنگ عمومی را از ناحیه اخلاق فردی و اجتماعی می‌دانند که در معارف و آموزه‌های اسلام مورد توصیه اکید بوده و همگان می‌توانند به واسطه ایمان و اعتقاد به اسلام و مکارم اخلاقی، بدان‌ها آگاه گردند. (۱۳۷۴/۴/۱۹ دیدار با اعضای شوراهای فرهنگ عمومی استان‌ها) فرهنگ عمومی در همه حوزه‌های زندگی است.

- رابطه فرهنگ و ایمان

ایمان دینی، تعیین‌کننده نوع فرهنگ و اساس آن است زیرا همه ابعاد زندگی بشر از جمله اهداف و باورها و دانش‌ها را تحت تأثیر خود دارد. فرهنگ دینی اسلام در رویارویی با فرهنگ الحادی کفر آمیز جوامع غرب و شرق، تنها فرهنگ اصیل و معتبر بدلیل زیرساخت مستحکم و ثابت ایمان و جهان‌بینی توحیدی آن است. فرهنگ تابعی است از ایمان که در تعامل و تعاضدند؛ همانند کشتی نجات در دریا و یا ستارگان در سپهر ایمان. و کارکرد ایجاد هویت مستحکم فرهنگی یک ملت به وسیله شناور شدن در جریان معرفت ایمانی است. در ادبیات قرآنی، تجلی ایمان و دین در جامعه به عنوان "ملت" ظهور می‌کند (بقره: ۱۳۵) که به معنای دین، طریق و راه و روشی است که مردم بر آن راه و روش سیر می‌کنند. (مجمع اللغه العربیه، ص ۲۴) نظامات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی، بروز و ظهور ایمان درونی افراد جامعه و تجلی رفتاری خلقند.

به نظر می‌رسد رابطه منطقی ایمان و فرهنگ نه تساوی است و نه تباین. فرهنگ، جعلی و قراردادی است اما ایمان، مبنا و علت ایجاد فرهنگی زینده و دلخواه مردم جامعه است. شاید در فرهنگ دینی عناصر ناسازگار تقلیدی و خرافی و ساختگی نفوذ کرده باشد و از سوی دیگر ممکن است در فرهنگ غیر دینی، عناصر مطلوبی از قبیل تجارب ملل، سنت‌های صحیح و آموزه‌های اخلاقی یافت شود که بتوانیم با پالایش فرهنگ، زندگی سالم تری را برای ابناء بشر به ارمغان ببریم. تأیید شریعت و تطبیق عناصر فرهنگی با آموزه‌های متعالی و حیانی و عرفانی اسلام ناب، آداب و رسوم و سنت‌ها را پذیرفتنی می‌سازد.

ایمان

- مفهوم ایمان

ایمان از ریشه «امن»، ضد خوف و امانت ضد خیانت است و ایمان ضد کفر است. ایمان، به معنی تصدیق و ضد آن تکذیب است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۱). همه لغویین، ایمان را به معنای تصدیق گرفته اند. مراد، اصالت توحید، معاد، عالم غیب و تعالیم پیامبر اکرم (ص) و انبیاء قبل از او است. «وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ» (بقره: ۴)

مفهوم ایمان، تسلیم توأم با اطمینان خاطر است (قرشی، ج ۱، ص ۱۲۴). ابن عربی، ایمان را عبارت از قرار یافتن قلب و آرامش و اطمینان جان می‌داند... که چون خداوند از بنده اش صداقت قصد و اراده را ببیند، نور هدایت را به قلبش می‌تاباند. پس قلب و جانش آرام می‌یابد (الحکیم، ص ۱۳۶). و ایمان، جنبه عملی هم دارد. امام صادق: هر که کردارش موافقت با گفتارش ندارد ایمانش عاریت است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۸).

در باره تفاوت ایمان با اسلام، امام صادق (ع) فرمودند: معنای اسلام، اقرار به همه طاعات شناخته شده اسلام به ظاهر،... لازمه ایمان، اقرار قلبی با فروتنی، و تقرب آگاهانه است، پس ممکن است کسی مسلمان باشد نه مؤمن، ولی ممکن نیست مؤمن باشد نه مسلمان. (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۳۰).

- حقیقت ایمان

حقیقت ایمان مبتنی بر شناخت و عرفان توحیدی است که از طریق اولیاء خدا حاصل شود. شخصی به امام صادق (ع) گفت: من از دوست داران باطنی و ظاهری شما هستم. امام صادق (ع) فرمود: دوست داران باطنی و ظاهری ما نشانه‌هایی دارند که با آنها شناخته می‌شوند.

گفت: آن نشانه‌ها چیست؟ امام صادق (ع) فرمود: چند چیز است، نخستین آنها این است که ایشان یگانگی خداوند را چنان که باید شناخته‌اند و علم توحیدش را استوار ساخته‌اند و آن‌گاه به چستی او و چگونگی اش ایمان آورده‌اند و سپس مرزهای ایمان و حقایق و شروط و تأویل آن را دانسته‌اند. سدیراز یاران امام گفت: ای فرزند پیامبر خدا من از شما نشنیده بودم که ایمان را چنین وصف کنید فرمود: بله ای سدیر پرسنده را نشاید که از چستی ایمان بپرسد تا آن که {نخست} بداند ایمان به چه کسی است. سدیر گفت: ای فرزند پیامبر خدا اگر صلاح می‌دانید آن چه را فرمودید شرح دهید.

امام صادق (ع) فرمود: کسی که می‌پندارد خدا را با توهم دل می‌شناسد مشرک است. کسی که می‌پندارد خدا را به نام و بدون معنا {و حقیقت} می‌شناسد، به طعن {در حدوث خداوند} اعتراف

کرده است؛ زیرا نام حادث است. کسی که می‌پندارد نام و معنا را می‌پرستد، با خداوند شریک قرار داده است. کسی که می‌پندارد معنا را با صفت و نه با ادراک می‌پرستد، به موجودی غایب، حوالت داده است. کسی که می‌پندارد صفت و موصوف را می‌پرستد، توحید را باطل ساخته است زیرا صفت، غیر از موصوف است و کسی که می‌پندارد موصوف را به صفت اضافه می‌کند بزرگ را کوچک ساخته است. اینان خدا را چنان که باید و شاید، نشناخته‌اند. بایشان گفته شد: پس راه رسیدن به توحید چیست؟

فرمود: باب جستجو باز است و راه خروج از {بن بست و شبهات} موجود است. شناخت عین موجود حاضر، پیش از {شناخت} صفت اوست و شناخت صفت موجود غایب مقدم بر {شناخت} عین او است. گفته شد: چگونه عین موجود حاضر را پیش از صفتش بشناسیم؟

فرمود: او را می‌شناسی و علمش را می‌دانی و خودت را نیز به وسیله او می‌شناسی، نه این که خودت را به وسیله خودت و از خودت بشناسی، و می‌دانی که آن چه در اوست، از آن او و قائم به اوست، چنان که (برادران یوسف) به او گفتند: (راستی تو یوسفی؟ گفت: من یوسفم و این هم برادر من است)، پس یوسف را به خود او شناختند نه به واسطه غیر او و از پیش خود و با توهم دل او را اثبات نکردند (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۰۳ و ۳۰)

اگر انسان، به ذات اقدس حضرت حق رو کرده، از او هام و افکار دور برای شناخت صفات روی بگرداند می‌تواند با علم حضوری و شهودی، آینه جمال و جلال خداوندی باشد و وحدت حقیقت را بیابد.

انسان کامل و عارف بالله مظهر تجلی جمال و جلال الهی است و انسان‌های دیگر به نسبت علم به خداوند و صفای نفس، مظهر تجلی جمال و جلال اویند. نیل به ایمان خالصانه و عارفانه، در ایجاد سبک شورانگیز حیات انسانی نقش و جایگاه اساسی دارد. شجره مبارکه و طیبه "کلمه توحید" و خدامحوری، دائماً به اذن پروردگارش، ثمربخشی دارد (ابراهیم: ۲۵) و موحدان و مجاهدان بی‌نظیر و اعجاب‌آوری را مانند اصحاب امام حسین (ع) به جامعه جهانی تقدیم می‌کند.

– رابطه ایمان و عقل و علم

میان ایمان و عقل، ایمان و علم و معرفت، ارتباطی نزدیک وجود دارد. کفر و ایمان بعد از حصول تعقل است. «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۵۶) در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست [کسی حق ندارد کسی را از روی اجبار وادار به پذیرفتن دین کند، بلکه هر کسی باید آزادانه با به کارگیری عقل و با تکیه بر مطالعه و تحقیق دین را بپذیرد]. مسلماناً راه هدایت از

گمراهی [به وسیله قرآن، پیامبر و امامان معصوم] روشن و آشکار شده است. پس هر که به طاغوت [که شیطان، بت و هر طغیان گری است] کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد بی تردید به محکم ترین دستگیره که آن را گسستن نیست، چنگ زده است و خدا شنوا و داناست. این دیدگاه دقیقاً "مقابل ایمان گروی شکاکانه کرگارد است .

– خاستگاه ایمان

و درباره چگونگی پیدایش ایمان باید گفت: ایمان، خاستگاه فطری دارد و خداوند، سرشت انسان ها را بر فطرت خداجویی و خداخواهی، بنا نهاده است. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا ...» (روم: ۳۰). یعنی رویت را بگردان به سوی دین پاک و حنیف، بر اساس فطرتی که خداوند باطن مردم را بر آن سرشته است. به قول ابن عربی، حنیف به معنای از باطل مایل شدن به حق است و آنچه خداوند تشریح فرموده و برای مکلفین و دین داران تعیین نموده است. (حکیم، ص ۱۳۵) بنابراین آن‌ها مشرک نمی شوند «حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ...» (حج: ۳۱). فطرت، مانند طبیعت و گزینه یک امر تکوینی است یعنی جزء سرشت انسان است. فطریات انسان، مربوط می شود به ماوراء حیوانی... هیچ مکتبی نیست که منکر یک سلسله ارزش های انسانی باشد... اصالت انسان و انسانیت واقعی، در گرو قبول فطریات است. (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲۹-۳۷).

و بنا بر بیان حضرت زهرا (س)، حقیقت توحید و اخلاص فطری قلوب و دلها است. (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۸) ویژگی فطرت آن است که: «کثرت صورت» محکوم «وحدت سیرت» است و تعدد زبان، نژاد، اقلیم، عادات و آداب و دیگر عوامل گوناگون بیرونی، مقهور اتحاد فطرت درونی است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۴). فطرت اصالت دارد و ایمان، امری است که در فطرت همه انسان‌ها ریشه دارد. در نگاه اهل عرفان نیز عقل فطرت برای کوچک و بزرگ، اندیشیدن به اوامر و نواهی و تشخیص عقلی بین خیر و شر، بزرگی و پستی، سود و زیان، خویش و بیگانه را میسر می سازد (عجم، ۱۹۹۹، ص ۶۵۳).

ایمان، هدیه خداوند به آنان که دوستشان می دارد است. خداوند همه چیز را آغاز کرد... از چیزهایی که دوست داشت، ایمان است که آن را پسندید و از اسم خود "مؤمن" (یعنی امان دهنده) مشتق ساخت و آن را به هر مخلوقی که دوست داشت انعام کرد... (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۶۳). ایمان، نوری از سوی خداوند است و هدیه‌ای برای منت داران و دوست دارانش. (الحکیم، ص ۱۳۶)

عرفان

- تعریف عرفان

عرفان عبارت است از همان علم به الله (سبحانه) از اسماء خدای سبحان و صفات او و آنچه در هستی مظاهر اوست و علم به احوال مبدا و معاد. و علم به حقایق عالم و چگونگی بازگشت حقایق به حقیقت واحد که تنها ذات احدیت است. و نیز شناخت راه و روش سلوک و مجاهده برای آزادکردن و رها سازی نفس از تنگنای قید و بندهای دنیای جزئیت و پیوستن نفس به اصل و مبدأ خود و اتصاف به حقایق مطلق و کلیت. (قیصری، ۱۳۸۱، ص ۷). عرفان، شناخت حق با قلب و نوعی خداشناسی و خداپرستی است که فرد با تسلیم به خدا بودن و عمل به فریاض، ارتقاء روحی می یابد تا آن که با وصول بخدا، برخی حقایق در صفحه ضمیر او جلوه گر می شوند و قلب او محل تابش انوار الهی می شود. البته باید تحصیل معرفت کرد؛ ولی نه ذهنی و مفهومی؛ بلکه عرفان، درک حضوری و وجدانی بدون واسطه مفاهیم ذهنی صفات خدا و تجلیات او و حقایق هستی است. رسیدن به خدای سبحان، دو قسم است؛ علمی و عملی (نظری و عملی) و عملی مشروط به علمی است تا عامل در عملش دارای بصیرت و دانایی باشد (قیصری، ۱۳۸۱، ص ۵) عارف برای طی مقامات نفس در فناء و رسیدن به بقاء، سفرهای معنوی و سیر و سلوکی چهارگانه دارد که دو سفر اول برای آماده شدن و استعدادی است و دو سفر دیگر کمالی است. (خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۶۷)

- انواع عرفان

عرفان در همه فرهنگها و ادیان وجود دارد. اما با بدفهمی ها و عدم وضوح و ابهامهایی همراه بوده است. در جوامع غربی و اروپایی امروز، عرفان به معنای امری آرامش بخش و مسکن افراد درگیر چالش های زندگی است ولی عرفان، اگرچه کارکرد آرام بخشی دارد، آرامش و یقین و شجاعت و مهرورزی از آثار عرفان است و با عرفان های دارویی و بدلی سر و کاری ندارد و عارف با عبودیت و ریاضت کشیدن، دچار تحول روحی می شود.

در شرق آسیا سنت های مختلف عرفانی، نظیر عرفان هندویی، عرفان بودایی، عرفان جین و چینی و ذن وجود دارند که همگی تحت یک حکم قرار می گیرند. تمایزات عرفان اسلامی از عرفان شرقی را از دو جنبه می توان بررسی کرد: یکی از جنبه درونی و دیگری از جنبه بیرونی. از جنبه درونی در عرفان های شرقی چون نبوت تشریحی در آنها نیست، تنها با اساطیر و مفاهیم ذهنی و انتزاعی سر و کار داریم و سخن از مقام ربوبیت، خلافت الهی انسان، ولی کامل، بقای بعد از فنا و مقام محبت نیست، که در عرفان اسلامی به کرات از آنها سخن رفته است از جنبه بیرونی هم عدالت خواهی، انقلابی بودن و مبارزه با فرهنگ شرک آلود غربی از دیگر وجوه تمایز عرفان اسلامی از

عرفان‌های شرقی است (سایت گنجینه پرسش‌های قرآنی)

سرچشمه‌های عرفان اسلامی

- آیات نورانی قرآن

استاد شهید پس از ذکر آیاتی از قرآن «۱۱۵ بقره، ۳ حدید» می نویسد:

بدیهی است که این گونه آیات، افکار و اندیشه‌ها را به سوی توحیدی برتر و عالی تر از توحید عوام می خوانده است؛ لهذا در حدیث کافی آمده است که خداوند می دانست که در آخر الزمان مردمانی متعمق در توحید ظهور می کنند لذا آیات اول سوره الحدید و سوره «قل هو الله احد» را نازل فرمود. در مورد سیر و سلوک و طیّ مراحل قرب حق تا آخرین منازل، کافی است که برخی آیات مربوط به «لقاء الله» و آیات مربوط به «رضوان الله» و آیات مربوط به وحی و الهام و مکالمه ملائکه با غیر پیغمبران مثلاً حضرت مریم و مخصوصاً آیات معراج رسول اکرم را مورد نظر قرار دهیم. در قرآن سخن از نفس اماره، نفس لوامه، نفس مطمئنه آمده است. سخن از علم افاضی و لدنی و هدایت‌های محصول مجاهده آمده است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» در قرآن، از تزکیه نفس به عنوان یگانه موجب فلاح و رستگاری یاد شده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا». در قرآن، مکرر سخن از حبّ الهی مافوق همه محبت‌ها و علقه‌های انسانی یاد شده است. قرآن از تسبیح و تحمید تمام ذرات جهان سخن گفته است.

- احادیث و ادعیه

کلمات رسول اکرم (ص) از جمله گفت و گوی او پس از ادای نماز صبح با یکی از اصحابش درباره یقین و نشانه هایش و نقش عبادت الهی در تنویر دل‌ها و رساندن انسان به مقام «احسان» و «شهود» و «مکاشفه» و همچنین آموزه‌های دیگر نبوی و معارف «علوی» و «ولوی» چنان سرچشمه‌های زلال بینش‌های الهی و گرایش‌های معنوی و هیجان‌ات روحی و واردات قلبی و سوز و گدازها و عشق‌های آسمانی و معنوی شده است که به واقع الهام بخش عرفان اصیل اسلامی و توحید ناب و تربیت موحد کامل شده، و کافی است به نهج البلاغه که منشأ عرفان عمیق نظری و سرچشمه ژرف عرفان عملی به صورت گسترده شده است نگاهی بیفکنیم؛ بویژه به خطبه‌های ۲۲۰ در تفسیر آیه ۲۷ نور و ۲۱۸ در تبیین اوصاف عارفان و مواضع گونه گون دیگر که در توحید علمی و عینی و عرفان اصولی و وصولی، دستمایه‌های شگرفت و شگفتی شده اند اندک توجهی داشته باشیم و به ادعیه اسلامی که قلّه‌های بلند عرفان و معنویت و سلوک و شهود را با چشم اندازی گسترده در معرض دید اصحاب عقل و دل نهاده اند، از جمله مناجات شعبانیه، دعای کمیل، دعا‌های پانزده گانه امام سجاده علیه السلام دعای عرفه و... (رودگر، ۱۳۸۳، ش ۳۱)

- رابطه عرفان و شریعت

وحی و شرع، محک و معیار صحت و سقم نظام باورهای دینی است. از امام صادق نقل شده؛ پیامبر(ص) از طریقی خبر دادند که در صورت عمل کردن، شیطان از مؤمنین و پیروان، فاصله‌ای به دوری شرق عالم از غرب آن می‌گیرد و آن راه، روزه است که روی شیطان را سیاه می‌کند و صدقه که پشت او را می‌شکند و حب و دوستی در راه خدا و پشتیبانی از عمل نیک، دنباله‌اش را قطع می‌کند و توبه و استغفار رگ گردنش را می‌زند. و اینکه: هر چیز زکاتی دارد و زکات بدن‌ها، روزه است. (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۹۱). امام خمینی (قدس سره) می‌فرماید: و بدان که هیچ راهی در معارف الهیه پیموده نمی‌شود مگر آن‌که ابتدا کند انسان از ظاهر شریعت، و تا انسان متأدب به آداب شریعت حقه نشود هیچ‌یک از اخلاق حسنه از برای او به حقیقت پیدا نشود و ممکن نیست که نور معرفت الهی در قلب او جلوه کند و علم باطن و اسرار شریعت از برای او منکشف شود. و پس از انکشاف حقیقت و بروز انوار معارف در قلب نیز متأدب به آداب ظاهره خواهد بود. (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص ۵۲۵) عبودیت انجام مناسک و عبادات و آداب شریعت، اخلاق والا را در سیرت و باطن مؤمن بشکل نهادینه و ملکه راسخ درآورده و حسن و زیبایی آن فعل، روح انسان را جهت دهی توحیدی کرده و در جلال و جمال به هیجان در آورده و باعث تحیر و درگیری او می‌شود و سیر معنوی و سلوک عرفانی را هدف او قرار می‌دهد. شریعت، طریقت و حقیقت در تقابل با هم نیستند؛ ابعاد یک چیزند.

معنویت

کلمه "معنویت" در قرآن نیامده، ولی با توجه به معنای لغوی آن، که "معنی" به آنچه قصد شده گفته می‌شود. می‌توان گفت، منظور از آن، عالم باطن و حقیقت و روح جهان مادی و ظاهری است که بهترین واژه قرآنی نزدیک به آن "حیات طیبه و نور الهی" است. بدین بیان که در میان انسان‌ها افرادی یافت می‌شوند که افزون بر زندگی عادی همگان، از علم و ایمان و معرفت نسبت به آفریننده هستی برخوردارند، چیزهایی از عالم معنا درک می‌کنند که سایرین از درک آن عاجزند، چیزهایی را اراده می‌کنند که دیگران آن را اراده نمی‌کنند و... در حقیقت دریچه‌ای از باطن و حقیقت عالم به رویشان گشوده شده و به معنای عالم دست یافته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰). «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام: ۱۲۲) آیا کسی که [از نظر عقلی و روحی] مرده بود و ما او را [به وسیله هدایت و ایمان] زنده کردیم، و برای وی نوری قرار دادیم تا در پرتو آن در میان مردم [به درستی و سلامت] حرکت کند، مانند کسی است که در تاریکی‌ها [بی‌جهل و گمراهی] است و از

آن بیرون شدنی نیست؟! این گونه برای کافران [به خاطر لجاجت و عنادشان] آنچه انجام می دادند، آراسته شد [تا گمان کنند اعمالی را که انجام می دهند نیکوست] . آیه دیگر "ایمان و عمل صالح" را عامل اصلی چنین حیاتی پاکیزه و پاداش برای زن و مرد مؤمن دانسته است «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (نحل: ۹۷) از مرد و زن، هر کس کار شایسته انجام دهد در حالی که مؤمن است مسلماً او را به زندگی پاک و پاکیزه ای زنده می داریم و پاداششان را بر پایه بهترین عملی که همواره انجام می داده اند، می دهیم. معنویت، امری درونی و رویکردی است مبتنی بر معرفت، ایمان و عمل صالح در چارچوب شریعت اسلامی و در محیط دینی، پدیدار می گردد.

کارکردهای ایمان در حوزه های تقویت فرهنگ عمومی

کارکرد ایمان و ثمرات بی نظیر آن، در حوزه هایی به ارتقاء فرهنگ عمومی می انجامد: مهم ترین آنها معرفت الله و هستی شناسی، عبودیت و نفی شرک و شک، ترک ستم و عصیان و طغیان و عداوت است .

-ایمان عامل معرفت و هدایت ره شناسی

ایمان، عامل آگاهی و رشد فرهنگی انسان هاست. ایمان اسلامی، استغراق در آگاهی است . خداوند متعال می فرماید: «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». (تغابن: ۱۱) و هر کس به خدا ایمان بیاورد خدا قلبش را [به حقایق] راهنمایی می کند؛ و خدا به همه چیز داناست.

وصیت امام علی (ع) به یکی از یارانش چنین است: جز ایمان هیچ چیز پذیرفته نیست و ایمان جز با عمل نیست، و عمل بدون یقین نخواهد بود، و یقین جز با خشوع در برابر خدا نمی باشد و ملاک و محور همه هدایت و ره شناسی است، هر که راه را بیابد عملش پذیرفته گردد و قبول شده به عالم ملکوت صعود کند «و خدا هر که را خواهد، به راه راست هدایت فرماید» (بقره: ۲۱۳) وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۰۳ و ۳۰۴).

راه راست، در جهان بینی الهی، تنها یک مسیر و شاه راه مشخص دارد که "صراط مستقیم" نامیده شده. اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ (فاتحه: ۶) «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ». یعنی راه آنان که با توفیق دادن در دینداری و طاعت داشتن، به آنان نعمت دادی. آنان کسانی هستند که درباره آنها فرمودی: و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند در زمره کسانی از پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت داده؛ و اینان نیکو رفیقانی هستند (نساء: ۶۹). «...هُمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَىٰ «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا» علی (ع) فرمودند: این نعمت، مال وصحت بدن نیست بلکه نعمت

ایمان به خدا و تصدیق رسول او و ولایت محمد و آل اوست. (الامام العسکری (ع) ۱۴۰۹، ص ۴۸). ایمان به خدا و تصدیق رسالت پیامبر و ولایت او و خاندانش، همان صراط مستقیم است. درباره ولایت معصومین (ع) حقیقت این است: نمی‌شناساند و شناخته نمی‌شود ایمان، مگر به واسطه آنها و ایمان بدون ولایت آنان حاصل نمی‌شود. وظیفه مؤمنین اطاعت از آنان است. "فإنه لم يعرف ولا يعرف الإيمان إلا منهم ولا يحصل بدون ولايتهم (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (نساء: ۵۹) (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۴۵۹). آنان حامل فیوضات و برکات الهی و ابواب ایمان ولایت مطلقه، انسان کامل هستند... زیرا درباره آگاهی، امام باقر (ع) یافتن علم صحیح را تنها در نزد اهل بیت (ع) دانسته (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۹۹). فاطمه زهرا (س) در باره پیامبر فرمود: «به وسیله آن حضرت جهالت و غفلت و نادانی مردم برطرف گردید، و رسول خدا با کمال حوصله و استقامت در هدایت و نجات دادن افراد کوشش کرده و آنان را به سوی راه راست و آیین حق و محیط نور هدایت و راهنمایی فرمود» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۹).

گمراهی ملت و امت برای پیامبران خدا بسیار ملال‌آور بوده و بر اساس توحیدمداری، بهترین شیوه‌ای که برای رشد و بیداری آن‌ها برگزیده‌اند توجه دادن مردم به خدا و دوری از طاغوت است: (با أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ. بقره: ۲۱) (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۴) در نتیجه، بدون تردید، معرفت خالق و شناخت شریعت و اطاعت از دستورات قرآن و سنت اهل بیت، و تمسک به ولایت آنان، هدایت است.

- ایمان، پایه محاسن اخلاق

پیوند با چیزی پایدار و با اهمیت که می‌تواند موجب آرامش، احساس معنای زندگی و هویت شود، حاصل کارآیی معنویت و ایمان است. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» علامه گوید: این جمله، "إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ ..."، چکیده‌اش این است که خداوند چنین حکم رانده و حکمش را حتمی کرده که نعمتها و موهبت‌هایی که به انسان می‌دهد مربوط به حالات نفسانی خود انسان باشد که اگر آن حالات موافق با فطرتش جریان یافت آن نعمت‌ها و موهبت‌ها هم جریان داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۳۱۰) ایمان خالصانه در قلب آحاد مردم، به دوام نعمت‌ها و موهبت‌های الهی منجر می‌شود. بیداری و عدم غفلت از یاد خداوند و اجرای اوامر او و پاسداشت و شکر نعم الهی، وصف مهم خلق با ایمان در جهت رشد و ارتقاء ایمانی و فرهنگ عمومی است.

- تأثیر مثبت تقوا بر رستگاری جامعه

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (آل عمران: ۱۰۲)

ای اهل ایمان! از خدا آن گونه که شایسته پروای از اوست پروا کنید و نمیرید مگر در حالی که [در برابر او و فرمان‌ها و احکامش] تسلیم باشید و اما حق تقوا، عبودیت محض برای خدای سبحان است که هیچ گونه غفلت و خودپرستی در آن راه ندارد و آن طاعت بدون معصیت و شکر بدون کفران و ذکر بدون غفلت و نسیان است (المیزان) تقوا را محافظت از حدود الهی و وفای بعهده دانسته‌اند (کاشانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۷۷) و احتراز از عقوبت الهی با پناه بردن به طاعت خداوند که همان صیانت نفس از انجام فعل یا ترک فعل است که نفس را مستحق مجازات می‌کند. (جرجانی، ۱۳۷۰، ص ۲۹) اما تقوا، ظاهری دارد و باطنی. ظاهر تقوا ترس رعایت حدود الهی است ولی باطنش نیت پاک و اخلاص داشتن در عمل است. (رفیق العجم، ۱۹۹۹م، ص ۱۹۶) قرآن درباره تقوا فرموده است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَقْتَضَتْ» (تغابن: ۱۶) تقوای الهی پیشه کنید تا جایی که می‌توانید یعنی با همه توانتان.

سنت الهی، که موجب تربیت استوار با مجموعه ای از ارزش‌ها و اخلاقیات می‌شود. چنین است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...» (اعراف: ۹۶). و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً [درهای] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم. برکت در لغت معنای نمو، سعادت، زیادت و وفور است «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن: ۱۶) و نیز فرموده: " وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ" (مانده: ۶۶). و اگر آنان تورات و انجیل [واقعی] و آنچه را که از سوی پروردگارشان به آنان نازل شده برپا می‌داشتند بی‌تردید از برکات آسمان و زمین بهره‌مند می‌شدند.

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح: ۲۹)

محمد، فرستاده خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند. همواره آنان را در رکوع و سجود می‌بینی که پیوسته فضل و خشنودی خدا را می‌طلبند نشانه آنان در چهره شان از اثر سجود پیداست. این است توصیف آنان در تورات، و اما توصیفشان در انجیل این است که وجودشان چون زراعتی است که جوانه‌های خود را رویانده پس تقویتش کرده تا سبتر و ضخیم شده، و در نتیجه بر ساقه‌هایش [محکم و استوار] ایستاده است، به طوری که دهقانان را [از رشد و انبوهی خود] به تعجب می‌آورد تا خدا به وسیله [انبوهی و

نیرومندی [مؤمنان، کافران را به خشم آورد.] و [خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است.

- تشویق به نیکوکاری و ایثار و احسان

مخاطب پروردگار با عظمت و جلالت و در همان حال مهربان و رحیم، برای ایجاد فرهنگ متعالی و مستحکم آرمایی، انسان دانای وارسته و مومن حقیقی است که به وعده‌های پاداش او، باوری آرام‌بخش و اعتقاد باطنی و خالص به چیزی که در آخرت انتظارش را می‌کشد دارد. ایمان به مبدا و معاد، انگیزه بخش بر و نیکی، سخاوت، یاری رساندن به ضعفاء و پرداختن به حقوق محرومین جامعه است. قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ». (نمل: ۸۹) آنان که کارهای خیر و نیک [به آخرت] بیاورند، پاداشی بهتر از آن دارند، و آنان در آن روز از هول و هراسی بزرگ، ایمن‌اند. حسنه خیر و طاعت است. (مجمع اللغة العربیه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۶۱) پیامبر(ص) فرمود: هر که شخصی را که بدنش ضعیف است، در کارش یاری رساند، .. خداوند بلند مرتبه در کارش و در عبور از صراط به سوی بهشت به او یاری می‌رساند (امام عسکری (ع)، ۱۴۰۹، ص ۶۳۵) این پاداش از سوی رب کریم و رحیم و هادی، انگیزه‌ای است برای نیکی کردن و هم‌باری و نتیجتاً گسترش اعتماد عمومی.

- بر و نیکی

قوام شخصیت فردی، وابسته به اعتقادات و عبادات فردی است ولی پایداری جامعه و نیز شخصیت اجتماعی افراد، به اموری دیگر چون بخشش به دیگران و دستگیری از خویشان و محرومان نیز پیوند خورده است. زمانی که قبله مسلمانان به امر الهی تغییر کرد، یهودیان و مسیحیان شایعات فراوانی به راه انداختند و خداوند در پاسخ آن‌ها فرمود که معیار شخصیت انسانی، تنها قبله نیست، بلکه قوام شما و اجتماع انسانی به امور دیگری چون نیکوکاری وابسته است: (لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ). (بقره: ۱۷۷) (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۹ و ۲۴۰) بر به معنای صداقت، نیکی و بخشش، اطاعت و در اصل به معنای وسعت در خیر است. (ابن منظور،

- احسان

بهترین نیکی، برابری و همدردی با مردم است. از احسان بالاتر، برابر کردن خود با دیگران است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۸۸). امام صادق(ع) فرمود: بهترین شما سخاوتمندانان، و بدترینان بخیلانانند. و نشان خلوص ایمان نیکی در باره برادران و سعی در برآوردن حوائج ایشان

است... (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۱). عبارت خالص ایمان، به معنی نشانه‌ها و آثار ایمان است و این بنا بر این است که اعمال، در حقیقت ایمان دخالت دارد (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۱۸۴).

- رعایت حقوق دیگران و پرهیز از ستم کردن

رعایت حقوق افراد، دارا بودن محاسن اخلاق، دقت در منش‌ها و آداب، توجه به انسجام و اتحاد و اهتمام به کمال و سعادت در حیات و اجتناب از هرگونه اختلاف و نفاق، از جمله مسائلی‌اند که اسلام برای زندگی از مسلمانان خواسته و بر آن تأکید می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۸) و ظاهر عمل انسان باید با باطن فرد هماهنگی داشته باشد تا از نفاق در امان باشد.

مؤمنین پاک، باید از هرگونه ظلم و شرک و تاریکی به دور باشند. «... الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ» (انعام: ۸۱ و ۸۲)؛ کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی [چون شرک] نیامیختند، ایمنی [از عذاب] برای آنان است و آنان راه یافته‌اند.

در تفسیر قمی، راستگو بودن، پیمان نشکستن و وارد گناهان نشدن را، معنای آمیخته نشدن ایمان به ظلم، دانسته است. (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۰۸). فرهنگ دینی با هرگونه ستم به عامه، ناسازگار بوده و مخالفت شدید دارد. در تربیت دینی، ظلم به سه دسته تقسیم شده است: ظلم به خدا، ظلم به نفس و ظلم به مردم. ظلم به مردم، بخشودنی نیست مگر با طلب رضایت از مظلوم. و گناهی که آمرزیده نمی‌شود. ظلمی است که مردم به یکدیگر می‌کنند و خداوند به عزت و جلال خود قسم یاد نموده که نیامرزد (مگر بعد از رضایت و عفو مظلوم. (دیلمی، ۱۴۱۲، ص ۱۷۳) و نیز امام صادق (ع) فرمودند: تعجب است از کسی که یقین دارد به زنده شدن در روز رستاخیز و چگونه ستم می‌کند؟ (صدوق، بی تا، ج ۱، ص ۶۲)

در روایتی دیگر، رسول خدا (ص) فرمودند: آیا خبر بدهم شما را که چرا به مؤمن، مؤمن می‌گویند؟ جهش آن است که مردم، او را بر نفس و مال خود امین و مطمئن می‌دانند. آیا خبر بدهم شما را که چرا به مسلمان، مسلمان می‌گویند؟ سببش آن است که مسلمان کسی است که مردم از دست و زبانش سالم باشند... (صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۵۲۳).

همچنین فرمودند: ایمان هر مؤمن به کمال نرسد تا اینکه برادران ایمانی او از شرش ایمن باشند و همسایگانش از شدت غضب و ناراحتی‌های او، امان داشته باشند. (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۶). و نیز امام صادق (ع) درستایش فریادرسی مظلوم فرمودند: و خدا فریادرسی مظلوم مهموم را دوست می‌دارد. (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۶ و کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۸).

- مسئولیت پذیر نمودن

ایمان و معناگرایی، عامل ایجاد احساس درونی و درک صحیحی از مسئولیت نسبت به اجتماع،

اقتصاد، سیاست و فرهنگ عمومی است «انَّ اللّٰهَ يَأْتُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸). خدا قاطعانه فرمان می‌دهد امانت‌ها را به صاحبانش باز گردانید. علامه می‌فرماید: امانات شامل امانت‌های مالی و معنوی مانند علوم و معارف حقه و ابلاغ رسالت می‌گردد، بنا بر روایت پیامبر اکرم (ص) بالاترین نشانه و مرتبه ایمان را شهادت به لا اله الا الله و پایین‌ترین مرتبه را، رفع مانع در راهی که به مردم آزار می‌رساند می‌دانند (شعیری، ۱۴۰۵، ص ۳۶). و پرهیزگارتین مردم امین‌ترین و خوش‌قلب‌ترین برای همه مسلمانان است. و فرمودند: خلق، خانواده خدا هستند؛ و محبوب‌ترین انسان‌ها در نزد خدا سودمندترین به حال خانواده خدا و شادی آفرین برای یک خانواده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص: ۱۶۳ و ۱۶۴).

امام علی (ع) فرمود: ... مرد، مسئول راهبری و راهنمایی و تربیت عیال و فرزندان خود می‌باشد و زن، مسئول نگهداری فرزندان و اهل‌بیت شوهر خود می‌باشد. و خدمتکار و کلفت، مسئول اموال مولا و آقای خود می‌باشند. آگاه باشید که هر کس، مسئولیتی بر عهده اوست و وظایف و تکالیفی نسبت به دیگران دارد (دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۸۴ و شعیری، ۱۴۰۵، ص ۱۱۹). آن حضرت مردم را مسئول بنده‌گان خدا، شهرها، خانه‌ها و حیوانات می‌دانند (سیدرضی، ۱۴۱۴، خ ۱۶۷). ممکن است در این روایت، ارتقاء فرهنگ زیست محیطی هم مورد نظر امام (ع) بوده، و اینکه اعضا جامعه نسبت به دیگران و حراست از مایملک یکدیگر احساس مسئولیت کنند، ناشی از باورهای مثبت فرهنگ عمومی جامعه است. حمایت اجتماعی، از جانب جامعه دینی موجب احساس شادکامی و خشنودی و ارتقاء کیفیت زندگی می‌شود. از دیدگاه امام صادق (ع) مسلمان واقعی آن کسی است که پرداختن به وضع دیگران، جزو برنامه روزانه او باشد؛ و اگر به فکر دیگران نباشد و در خود هیچ نوع مسئولیت، نسبت به مسلمانان احساس نکند، نمی‌توان او را مسلمان نامید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۶۳).

- امر به معروف و نهی از منکر

مردم با ایمان و با اخلاص، جلب خیر و دفع شر از یکدیگر را مسئولیت خود می‌دانند. زیرا قرآن اینگونه فرمان می‌دهد: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ، يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه: ۷۱)؛ مردان و زنان با ایمان دوست و یار یکدیگرند؛ همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی‌دارند.

در این آیه شریفه، مؤمنان اولیاء برخی دیگرند؛ اما در آیه «الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ» (توبه: ۶۷) منافقین بعضی از بعض دیگرند؛ این تفاوت نکته جالبی دارد. سیدقطب، در تفسیر آیه شریفه می‌گوید: ... زیرا ولایت داشتن، به شجاعت،

کمک رسانی و به عهده گرفتن تکالیف نیاز دارد و طبیعت نفاق، از همه اینها ابا و اجتناب دارد هر چند بین خود منافقین باشد...، طبیعت مردم با ایمان، اتحاد، همبستگی و همیاری در به دست آوردن خیر و دفع شر است (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۱۶۷۵).

- وحدت و انسجام فرهنگی در جامعه

ایمان در اجتماع، وحدت آفرین است. هرگاه مؤمن، در آموزه‌های دینی یعنی همان معارف و احکام، از پیشوایان الهی پیروی و اطاعت کند، به شکلی معتقد به خصلت‌های ایمانی می‌شود که هیچ دشمنی نمی‌تواند او را از جمع مؤمنین دین‌دار دور کند. چراکه انگیزه واحد و اهداف و خواسته‌های واحد، آنان را چون برادران و فرزندان و پدران با یکدیگر متحد می‌سازد. قرآن، درباره اتحاد می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ...» (آل عمران: ۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا چنگ زیند و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید...

اما منظور از "حبل الله" توحید و ولایت (تمسک به انسان کامل) است. امام باقر(ع) فرموده‌اند: خداوند امر کرد که بر ولایت آل محمد (ص) اجتماع کنند و متفرق نشوند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۰۸)؛ «حبل» وسیله‌ای است که با آن به چیزی می‌رسند و ایمان حبل نامیده شده، چراکه سبب و عاملی است که با آن، به از بین بردن خوف و هراس می‌رسند (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۴۸۰). خداوند از نزاع نهی فرموده: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال: ۴۶) و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید که سست و بددل می‌شوید و قدرت و شوکتان از میان می‌رود. مؤمنین، به سبب ایمان، قدرت و نیرو و شوکتی پیدا می‌کنند که در صورت تفرقه، این نیرو از بین می‌رود.

حضرت فاطمه زهراء(س) اطاعت از امامان را موجب نظم اجتماع دانسته و فرموده: خداوند لزوم اطاعت و امامت ما را موجب امان از تفرقه و جدائی مؤمنان قرار داده است (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۹).

چه عاملی قوی‌تر از ایده واحد در شناخت و انگیزه ایمانی می‌تواند جامعه را با تار و پود محکم هم بسته سازد. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) جز این نیست که همه مؤمنان، با هم برادرند. پیوند قلوب و اخوت و یگانگی در ایمان به خدا، از نعمات الهی و سازوکاری است که خداوند به مؤمنین ارزانی داشته تا پس از دشمنی با یکدیگر، به سبب این نعمت، از لبه جهنم و پرتگاه شرک، نجات یابند. حضرت امیر(ع) فرمودند: بوسیله ایمان، به اوج نیکبختی و آخرین حد سرور می‌توان بالا رفت (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۸۹).

نتیجه گیری:

منشأ اساسی و عامل مهم ترغیب و تشویق به اجرای تعالیم دینی و انگیزه برپایی جامعه ای با فرهنگ دینی، معنویت و ایمان است. ایمان در اصلی ترین لایه های فرهنگ که جهان بینی و شناخت شناسی است، جای دارد.

کارکرد ایمان، در زمینه های ایجاد معرفت و هدایت، تغییرات و اصلاح رفتارها در جهت کمال، کسب ارزش ها و اخلاق نیکو، مبارزه با ظلم و استکبار سلطه گران، اتحاد و انسجام مردمی، مفید و مؤثر می افتد. در آویختن به ریسمان محکم الهی و حلقه اتصال به پروردگار عالم، ایمان است. انسان با گرایش به آیین و مذهب اسلام، مسیر زندگی خود را تعیین می کند. و به تعهداتش نسبت به خود، جامعه و خدا عمل می کند. در این راستا کلام خدا و گنجینه های روایات، و علمای عرفان، حقایق و معارف را برای تعلیم و تربیت و به کار بستن آنها در جامعه بیان نموده اند. اما امروزه نفوذ فرهنگ دینی در جامعه ما کم شده و شاهد ضعف، سطحی نگری و انحراف در آن هستیم. ما در این پژوهش، به تقویت باورها و اصول دینی برای استقرار ارزش ها و مکارم اخلاقی و عمل به فرمانها و باید و نبایدهای دینی اهمیت داده و به تثبیت و تکامل ایمان افراد جامعه برای درمان رنج بی هدفی و عدم اطمینان و آرامش و امید و شادی و معناداری و رضایت از زندگی در اجتماع و ایجاد رشد جمعی و پیشرفت همه جانبه به تقویت فرهنگ عمومی می اندیشیم. امید است با عمل خود، سهمی در ایجاد تمدن نوین اسلامی و بستر سازی برای ظهور منجی بشریت داشته باشیم تا شاهد مدینه فاضله جهان هستی شویم. پیشنهاد می شود:

۱- موضوع پژوهش، در عمق راهبردی آن، با هم فکری علمای متخصص پشتیبانی و تقویت شده و از قوه به فعل در می آید.

۲- به وسیله نخبگان، خطبا و رسانه، آشناسدن و بکارگیری اصطلاحات ادبی قرآنی و روایی مربوط به این عرصه، مانند تعاون، تعاطف، مواسات، معروف، در جامعه ترویج گردد.

۳- ترویج آموزش های اعتقادی، اخلاقی و تربیتی و سبک زندگی دینی توسط خطبا، امامان جمعه و جماعت، سایر رسانه ها، فضای مجازی، آموزش و پرورش، و ...

۴- در زمینه مطالعات فرهنگی و تهیه پیوست های فرهنگی، برنامه ریزی و اجرای آنها، در صدر اولویت ها قرار گیرد. وَ السَّلَامُ عَلٰی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدٰی (طه: ۴۷)

- ۱- قرآن کریم (ترجمه حسین انصاریان)
- ۲- مفاتیح الجنان (شیخ عباس قمی)
- ۳- صحیفه کامله سجادیه انشاء امام زین العابدین، علی بن الحسین
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- ۵- امام عسکری، حسن بن علی (ع)، ۱۴۰۹، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن بن علی العسکری (ع)، قم، مدرسه الإمام المهدي (ع).
- ۶- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ق، تفسیر البغوی المسمى معالم التنزیل، تحقیق: مهدی عبدالرزاق، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۷- تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۸- جرجانی، میر سید شریف علی بن محمد، ۱۳۷۰، کتاب التعریفات، تهران، ناصر خسرو، چ چهارم.
- ۹- جعفری، محمد تقی، ۱۳۷۳، فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی .
- ۱۰- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، تفسیر تسنیم، ج ۱، محقق علی اسلامی، چ هشتم، نشر اسراء .
- ۱۱- _____، ۱۳۸۹، جامعه در قرآن، تفسیر موضوعی قرآن کریم، محقق مصطفی خلیلی، چ سوم، قم، اسراء.
- ۱۲- حرآئی، ابو محمد حسن ابن شعبه، ۱۴۰۴، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، ترجمه احمد جنتی، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- ۱۳- حکیم، سعاد، المعجم الصوفی، بیروت، دندره للطباعة و النشر.
- ۱۴- خسرو پناه، عبدالحسین، ۱۳۹۰، جریان شناسی ضد فرهنگ ها، چ سوم، قم، نشر تعلیم و تربیت اسلامی .
- ۱۵- دیلمی، حسن، ۱۴۱۲ق، ارشادالقلوب الی الصواب، ترجمه هدایت الله مسترحمی، قم، شریف رضی
- ۱۶- رودگر، محمد جواد ۱۳۸۳، معنویت در افق اندیشه شهید مطهری، مجله قیاسات، بهار ۱۳۸۳، ش ۳۱
- ۱۷- سیدرضی، محمد، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی، قم، هجرت
- ۱۸- سیدقطب، ۱۴۲۵ق، فی ظلال القرآن، چ سی و پنجم، بیروت، دار الشروق.
- ۱۹- شعیری، تاج الدین، ۱۴۰۵ق، جامع الاخبار، قم، انتشارات رضی.
- ۲۰- صدوق، محمد بن علی، بی تا، علل الشرایع، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، قم، داوری.
- ۲۱- _____، ۱۴۰۰ق، امالی، ترجمه کمره ای، چ پنجم، بیروت، ناشر اعلمی.
- ۲۲- _____، ۱۳۶۲، الخصال، ترجمه یعقوب جعفری، قم، جامعه مدرسین.
- ۲۳- _____، ۱۳۶۳، من لایحضره الفقیه، ترجمه صدرالین بلاغی و محمد جواد بلاغی و علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، مؤسسه نشر اسلامی.
- ۲۴- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی، چ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۲۵- طبرسی، احمد بن علی، ۱۴۰۳ق، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ترجمه بهراد جعفری، مشهد، ناشر مرتضی.

- ۲۶- الطوسی، اَبی جعفر محمد بن حسن، ۱۳۹۰ تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ مفید، تهران، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الثانية
- ۲۷- عجم، رفیق ۱۹۹۹، موسوعه مصطلحات التصوف، بیروت، مکتبه لبنان الناشرین
- ۲۸- فردرو، محسن و دیگران (۱۳۸۰) جامعه و فرهنگ، مجموعه مقالات، تهران، آرون، ص ۱۲۴_ ۱۷۰.
- ۲۹- قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۰- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزایری، چ سوم، قم، دارالکتب.
- ۳۱- قیصری، داود، ۱۳۸۱، رساله فی التوحید و النبوه و الولاية (رسائل قیصری) محقق و مصحح سید جلال الدین آشتیانی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- ۳۲- کاشانی، عبدالرزاق، ۱۴۲۶، لطائف الأعلام فی إشارات أهل الإلهام، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیة .
- ۳۳- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، الکافی، مترجم هاشم رسولی شارح جواد مصطفوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۴- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، ۱۴۰۶ق، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
- ۳۵- مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، ۱۴۱۴، لوامع صاحبقرانی المشتهر بشرح الفقیه، قم، نشر اسماعیلیان.
- ۳۶- مجمع اللغة العربیه، ۱۳۶۳، معجم الفاظ القرآن الکریم، انتشارات ناصر خسرو.
- ۳۷- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۹، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی: انسان و ایمان، چ چهارم، تهران، صدرا.
- ۳۸- _____، ۱۳۷۴، فطرت، تهران، چ هفتم، تهران، صدرا.
- ۳۹- موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۶۸، چهل حدیث، تهران، مرکز فرهنگی رجاء.
- ۴۰- _____-۱۳۷۳، مصباح الهدایه الی الخلافه و الولاية، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) www.islamquest.net

Received: 2018/11/5

Accepted: 2019/4/30

Study of Spirituality and Faith on Strengthening Public Culture from the Standpoints of the Quran, Hadith, and Mysticism

Hossein Rahmani Tirkalaei¹, Mohammad Sadegh Jamshidi Rad², Farhad Mohammadnejad³, Mahnaz Refiei⁴

Abstract:

Islamic-Iranian culture, despite its richness, has been damaged by the destruction of cultural boundaries and the invasion of the dominant Western culture. Promoting the general culture of the masses is the need of human societies today. The prevalence of harm and the lack of moral virtues are degrading societies. In Islamic Iran, the need to promote public culture in order to achieve a new Islamic civilization, invites us to know the principles and infrastructure of the original Islamic culture. Religion of Islam, Shiite religion and Islamic mysticism have given us the most complete divine commands and standards to build the best lifestyle with spirituality and have provided us with the teachings of the Holy Quran and revelatory teachings. But the prerequisite for it is faith and spirituality. Belief in God, acknowledgment of monotheism and resurrection, unseen and revelation, The mission of the Holy Prophet and the Imamate of the Imams, It is the basic duty of believers in a religious community. Since faith is the only cause of internal changes in society, by searching in valid religious and mystical texts, we extract and categorize topics, and we conclude that the more people's faith increases, the possibility of epistemological and social faith and achieving the most complete public culture. increase.

Keywords: *Faith - Islamic public culture - Religious community - Islamic mysticism - Revelation texts.*

¹. Assistant Professor, Faculty Member, Payame Nour University, Tehran, Iran, Corresponding Author.

². Associate Professor, Islamic Jurisprudence, Payame Nour University, Tehran, Iran.

³. Assistant Professor, Payame Nour University, Tehran, Iran.

⁴. Payame Nour University, Semnan Branch, Tehran, Iran.